



## «حلقات»

# درس 22

استاد: حجت‌الاسلام و المسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای عطایی

گفته شد یکی از ادله حجیت خبر واحد، وجود سیره امضا شده توسط معصوم در عمل به خبر واحد است؛ برخی در مقام اشکال از دلیل مذکور گفته‌اند: آیات نهی کننده از اتباع ظن، این دسته از سیره‌ها را ردع می‌کنند.

شهید صدر(ره) نظر سه تن از علمای اصول را در مقام پاسخ‌گویی از این اشکال مطرح کرد. در درس گذشته و به دنبال بررسی پاسخ‌های محقق نائینی و آخوند خراسانی، پاسخ محقق اصفهانی نیز مطرح و تبیین شد و گفتیم که ایشان ظهور عمومات قرآنی را حجت نمی‌داند؛ چرا که بر خلاف سیره عقلا در عمل به خبر ثقه است. در این درس شهید صدر پاسخ محقق اصفهانی را نیز مورد نقد و بررسی قرار داده است. سپس در ادامه پاسخ مورد نظر خود را مطرح کرده و با ردّ اشکال مطرح شده، این بحث را به پایان می‌برد.

و هذا الجواب غريب لأن انعقاد السيرة على العمل بالظهور معناه انعقادها على اكتشاف مراد المولى بالظهور، و تنجزه بذلك، و هذا لا ينافي استقرار عمل آخر لهم على خلاف ما تنجز بالظهور، فالعمل العقلاني بخبر الثقة ينافي مدلول الظهور في العمومات الناهية و لا ينافي نفس بنائهم على العمل بهذا الظهور و جعله كاشفاً و حجة.

فالصحيح في الجواب ان يقال انه ان ادعى كون العمومات رادعة عن سيرة المتشرعة المعاصرين للمعصومين من صحابة و محدثين، فهذا خلاف الواقع، لأننا أثبتنا في التقريب الأول ان هذه السيرة كانت قائمة فعلا على الرغم من تلك العمومات. و هذا يعنى انها لم تكن كافية للردع، و إقامة الحجة و ان ادعى كونها رادعة عن السيرة العقلانية بالتقريب الثاني، فقد يكون له وجه، و لكن الصحيح مع هذا عدم صلاحيتها لذلك أيضاً، لأن مثل هذا الأمر المهم لا يكتفى في الردع عنه عادة بإطلاق دليل من هذا القبيل.

ما از طرفی شاهد عمل عقلا به خبر ثقه هستیم و از طرف دیگر شاهد عمل عقلا به ظاهر کلامی که از عمل به خبر ثقه باز می‌دارد هستیم؛ در نتیجه دو عمل عقلایی متناقض در این بین وجود دارد؛ از آنجا که عمل عقلا به خبر ثقه، قطعی است، پس عمل عقلا به ظاهر کلامی که ما را از خبر ثقه باز می‌دارد قابل قبول و ممکن نیست. به عبارت دیگر سیره عقلائیه بر عمل به چنین ظهوراتی شکل نخواهد گرفت و این به معنای عدم حجّت این ظواهر است.

### اشکال شهید صدر به پاسخ محقق اصفهانی

اشکال: قائل شدن به حجّت ظهور عمومات و وجوب عمل به ظاهر آیات به هیچ وجه منجر به تناقض بین دو سیره عقلائی نخواهد شد.

توضیح: آنچه که باعث شده محقق اصفهانی گمان کند در صورت عمل به ظاهر عمومات و حجّت دانستن آنها باید معتقد به شکل‌گیری دو سیره متناقض با هم در بین عقلا شویم این است که اساساً ایشان وجوب عمل به ظاهر آیات (حجّت ظواهر) را به شکل نادرستی تبیین کرده‌اند؛ زیرا وجوب عمل به ظاهر آیات در لسان علمای اصول به معنای معیار قرار دادن ظاهر آیات برای کشف مراد متکلم است و نه به معنای وجوب عمل طبق مدلول آیات. با توجه به این توضیح نتیجه می‌گیریم که بل‌و سیره عقلائی در این مبحث مواجه‌ایم:

۱. سیره عقلا مبتنی بر عمل به خبر ثقه؛

۲. سیره عقلا مبتنی بر معیار قرار دادن ظاهر کلام هر متکلمی برای کشف مراد او

واضح است که این دو سیره، دو عمل عقلائی متناقض نیستند؛ بلکه دو سیره عقلائی متمایز هستند که همدیگر را نفی نمی‌کنند؛ به عبارت دیگر هیچ گونه تنافی بین عمل به خبر ثقه و بین کشف مراد متکلم وجود ندارد. بنابراین هیچ محذوری وجود ندارد که از نظر عقلا هر دو سیره حجّت باشند.

نکته: در واقع بین دو سیره عقلانیۀ تنافی نیست؛ بلکه تنافی بین سیره عقلا - در عمل به خبر ثقه - و بین مدلول عمومات ناهیه از ظن می باشد. این تنافی هیچ محذور و اشکالی ندارد و مختص به این مورد هم نیست ؛ بلکه موارد دیگری نیز داریم که در آنها روش عقلا با آیات قرآن مورد نهی قرار گرفته است ؛ چرا که با اهداف شارع سازگار نیست؛ مثل بناء عقلا بر أخذ ربا که توسط آیات الهی نهی شده است.

نتیجه: حال که نتوانستیم حجّت ظهور عمومات را مخدوش کنیم ، پس کماکان برای مستشکل این امکان وجود دارد که ادعا کند این عمومات سیره‌هایی مبتنی بر عمل به خبر ثقه را رد می کنند.

Sco1: 12:37

### جواب چهارم از اشکال: پاسخ شهید صدر(ره)

استدلال به سیره برای اثبات حجّت خبر واحد به دو شکل جریان می گرفت: ۱- استدلال به سیره متشرعه؛ ۲- استدلال به سیره عقلانیۀ؛ ادعای ردع و نهی عمومات قرآنی از هر یک از این سیره ها با اشکالی مخصوص به خود مواجه می شود که به بیان آنها می پردازیم:

الف) اگر ادعا شود که سیره مورد ردع آیات ، سیره متشرعه است ، گفته می شود که این ادعا خلاف واقع است ؛ زیرا اگر عمومات این سیره ها را ردع کرده بود ، هیچگاه شاهد عمل متشرعین به خبر ثقه - آن هم در عصر معصومین و در مرأ و مسمع ایشان - نبودیم؛ در حالی که شواهد معتبر و متقن ، گویای جریان این سیره در بین متشرعه بوده و این نشان دهنده عدم کفایت این عمومات برای ردع از سیره است ؛ چرا که اگر این عمومات حجّتی دالّ بر نهی از سیره بود متشرعه را از عمل بر خبر ثقه باز می داشت.

ب) اگر ادعا شود که سیره مورد ردع آیات ، سیره عقلانیۀ است به این معنا که شارع با توجه به آگاهی از میل عقلا در استفاده گسترده از خبر ثقه، این سیره را در محدوده مربوط به شریعت مورد نهی و ردع قرار می دهد؛ در این صورت گفته می شود هر چند این ادعا وجهی برای طرح کردن دارد ، اما در واقع این عمومات صلاحیت کاشف بودن از ردع شارع را

ندارد؛ زیرا اگر شارع درصدد بود از چنین سیره‌ای با همه گستردگی و نفوذش و با قابلیت‌یی که برای دربرگرفتن محدوده شریعت دارد، ردعی داشته باشد، به صرف این عمومات اکتفا نمی‌کرد؛ زیرا اکتفای شارع به صرف عمومات (که از صراحت لازم برخوردار نمی‌باشند) او را به غرض و مطلوبش نمی‌رساند.

این مطلب را می‌توان از مقایسه این مورد با سیره‌های دیگری که توسط شارع ردع شده اند به دست آورد. برای نمونه سیره عقلا بر ربا خواری مورد ردع شدید آیات متعدد قرآنی و روایات قرار گرفته است. هم چنین فراگیری قیاس بین گروهی از عقلا منجر به صدور چندین روایت در نهی از عمل به قیاس شده است.

Sco 2:27: 31

۱. حجیت ظهور کلام هر متکلم که آیات قرآن هم مصداقی از آن است و سیره عقلا بر آن قائم می باشد، به معنای معیار قرار گرفتن ظاهر کلام متکلم برای کشف مراد او است؛ نه وجوب عمل طبق مدلول آن کلام که در تعابیر محقق اصفهانی آمده است.

۲. سیره عقلا در عمل به خبر ثقه هیچ گونه تنافی با سیره عقلا در معیار قرار دادن ظاهر کلام برای کشف مراد متکلم ندارد؛ بنابراین تناقض مطرح شده توسط محقق اصفهانی صحیح نیست.

۳. عمل به خبر ثقه با مفاد ظاهر عمومات در نهی از عمل به خبر ثقه توافقی دارد؛ اما این تنافی منجر به تعارض و تناقض در اعتبار سیره عقلا نمی شود و نظایر دیگری نیز دارد.

۴. پاسخ شهید صدر، متشکل از دو بخش است:

الف) اگر گفت شود عمومات، سیره متشرعه را رد می کنند، قابل پذیرش نیست؛ چرا که اگر عمومات، رادع بودند متشرعه، در عصر معصومین و در حضور آنها به خبر ثقه عمل نمی کردند.

ب) اگر گفته شود عمومات، سیره عقلائیه را رد می کنند، باز هم قابل پذیرش نیست؛ چون شارع برای رد سیره هایی با این گستردگی و فراگیری، هیچ گاه به صرف این عمومات اکتفا نمی کرد؛ چرا که اکتفا به آنها غرض شارع را تأمین نمی کند.